

نقد‌ها و بررسی‌ها



پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی

موضوع:

۱. مقدمات؛ حجت؛ خلیفه‌ی خداوند؛ روایات رسیده از خلفاء خداوند (واحد و متواتر)
۲. عقاید؛ شناخت خلفاء خداوند؛ مهدی؛ منصور زمینه‌ساز ظهور مهدی؛ اقدامات و اهداف

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نقد

نویسنده: پرستو

تاریخ: ۱۴۰۰/۵/۹

برخی مخالفان علامه منصور هاشمی خراسانی به این روایت استناد می‌کنند: «مفضل گفت: آیا خلاف سنت قائم علیه السلام است که کسانی قبل از ظهورش برای او بیعت می‌گیرند؟ امام صادق علیه السلام فرمود: هر بیعتی قبل از ظهور مهدی علیه السلام، بیعت کفر، نفاق و خدعه است، خداوند بیعت‌کننده و کسی که با او بیعت می‌شود را لعنت کند» (کتاب مختصر بصائر الدرجات، باب تتمّة ما تقدّم من أحادیث الرّجعة).

ممنون می‌شوم که در رابطه با این روایت توضیح دهید.

بررسی

تاریخ: ۱۴۰۰/۵/۱۷

شرم‌آور است که کسانی برای جلوگیری از یاری مهدی علیه السلام و بازداشتن از زمینه‌سازی برای ظهور او، به هر دری می‌زنند و به هر رطب و یابسی متوسل می‌شوند و حتی به ترجمه‌هایی غلط و تحریف‌شده از ضعیف‌ترین و بی‌اعتبارترین روایات واحد که معلوم نیست کدام شیطان برای گمراه کردن آنان از تکالیف واضح عقلی و شرعی‌شان ساخته است، استناد می‌کنند! هیچ شکی نیست که آنان از زمره‌ی منافقان هستند، اگرچه خود را از زمره‌ی اخباریان می‌شمارند و گواه آن این است که اخبار معتبر فراوانی که درباره‌ی وجود یاری امامان اهل بیت و همراهی با زمینه‌سازان ظهور مهدی علیه السلام رسیده است را نادیده می‌گیرند^۱ و به یک خبر واحد ضعیف، بل جعلی استناد می‌کنند که به زعم آنان یاری مهدی علیه السلام و همراهی با زمینه‌سازان ظهور او را ناروا دانسته است! به راستی اگر اخباری هستند، چرا به آن اخبار معتبر فراوان اعتنا نمی‌کنند و اگر اخباری نیستند، چرا به این خبر واحد ضعیف اعتنا می‌کنند؟! آیا از این رو نیست که آن اخبار معتبر فراوان، با اهواء و منافع دنیوی آنان سازگار نیست،

۱. برای این اخبار، بنگرید به: پرسش و پاسخ ۲۶۵.

ولی این خبر واحد ضعیف، با اهواء و منافع دنیوی آنان سازگار است؟! با توجه به اینکه اگر آن اخبار را بپذیرند، باید کنج عافیت را رها کنند و به بی‌کاری و بی‌عاری خود پایان دهند و مال و جانشان را به خطر اندازند و برای حمایت عینی و همه‌جانبه از مهدی علیه السلام وارد میدان شوند، ولی اگر این خبر واحد ضعیف را بپذیرند، نیازی به این کارها نیست، بل کافی است که بخورند و بخوابند و حداکثر دعا کنند تا مهدی علیه السلام خود زحمت همه‌ی کارها را بکشد و آنان لذتش را ببرند، یا حتی لذت‌بخش‌تر از آن، امروز حامی حاکمان موجود باشند و فردا حامی مهدی علیه السلام، تا امروز از سفره‌ی اینان بخورند و فردا از سفره‌ی او! می‌پندارند که زرنگ هستند و می‌توانند خداوند را بفریبند، تا بی‌هیچ زحمتی، هم دنیا را به دست آورند و هم آخرت را، در حالی که احمق هستند و تنها خود را می‌فریبند؛ چنانکه خداوند فرموده است: ﴿إِنَّ الْمُنَافِقِينَ يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَهُوَ خَادِعُهُمْ﴾؛ «منافقان می‌خواهند خداوند را بفریبند، در حالی که او فریب‌دهنده‌ی آنان است» و فرموده است: ﴿يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَمَا يَخْدَعُونَ إِلَّا أَنفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ﴾؛ «می‌خواهند خداوند و کسانی که ایمان آوردند را بفریبند، در حالی که تنها خود را می‌فریبند و نمی‌فهمند».

به هر حال، روایتی که این منافقان به آن استناد کرده‌اند، روایتی بسیار طولانی و آشفته است که نه سند قابل توجهی دارد و نه دلالت قابل قبولی! سند قابل توجهی ندارد از این رو که در کتابی غیر معتبر و نوپیدا با نام «مختصر بصائر الدرجات» ذکر شده که توسط فردی به نام حسن بن سلیمان حلّی در قرن ۹ هجری فراهم آمده و در هیچ یک از منابع قدیمی و معتبر شیعه ذکر نشده است. آری، حسن بن سلیمان مذکور آن را با واسطه از فردی به نام حسین بن حمدان (د. ۳۵۸ق) نقل کرده و از این حسین بن حمدان کتابی غیر معتبر و آکنده از روایات جعلی به نام «الهدایة الکبری» بر جا مانده است که روایت مذکور با سندی یکسان و متنی متفاوت در آن یافت می‌شود.^۳ از این رو، می‌توان روایت مذکور را نسخه‌ای تحریف‌شده از روایت حسین بن حمدان در کتاب «الهدایة الکبری» دانست که آن را از محمد بن اسماعیل حسنی و علی بن عبد الله حسنی، از محمد بن نصیر، از عمر بن فرات، از مفضل بن عمر نقل کرده است، در حالی که خود او و آنان همگی مجهول الحال یا معروف به دروغگویی و زیاده‌گویی بوده‌اند؛ چنانکه رجال‌شناسان شیعه درباره‌ی حسین بن حمدان گفته‌اند: «كُذِّبَ، فَابْتَدَأَ الْمَذْهَبَ، صَاحِبُ مَقَالَةٍ مَلْعُونَةٍ، لَا يُلْتَفَتُ إِلَيْهِ»^۴؛ «مردی کذاب با مذهبی فاسد و عقیده‌ای ملعون بود که نباید به او اعتنا شود» و محمد بن اسماعیل حسنی را نشناخته‌اند؛

۱. النساء / ۱۴۲

۲. البقرة / ۹

۳. بنگرید به: الهدایة الکبری للحسین بن حمدان الخصبی، ص ۳۹۲.

۴. رجال ابن الغضائری، ص ۵۴؛ رجال النجاشی، ص ۶۷؛ رجال ابن داود، ص ۲۴۰؛ خلاصة الأقوال لابن المطهر الحلی، ص ۳۳۹

چراکه معلوماتی درباره‌ی او موجود نیست، جز چیزی که فخر الدین رازی در کتاب «الشجرة المباركة في أنساب الطالبية» آورده و در آن گفته است: «وَأَمَّا مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ زَيْدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ وَكَانَ صَاحِبَ لَهْوٍ وَصَيْدٍ مُعْتَزِلًا عَنِ النَّاسِ مُشْتَعِلًا بِلَدَائِهِ»^۱؛ «اما محمد بن اسماعیل بن حسن بن زید بن حسن بن علی بن ابی طالب علیهما السلام مردی اهل لهو و شکار بود که از مردم کناره گرفته بود و به لذت‌های خود سرگرم بود» و از علی بن عبد الله حسنی هم یادی نکرده‌اند، مگر اینکه مراد از او ابو طالب علی بن عبد الله علوی باشد که طوسی در کتاب رجالش از او یاد کرده و او را پیش‌نماز مسجدی در طبرستان دانسته است، بدون اینکه او را توثیق یا مدح کرده باشد^۲ و محمد بن نصیر را از غالیان ملعون و مدعیان دروغین بابت و حتی نبوت دانسته‌اند و درباره‌ی خباثت و فسق او چیزهایی نوشته‌اند که قابل ذکر نیست^۳ و این در حالی است که به نظر می‌رسد جعل‌کننده‌ی حدیث، همو بوده است؛ زیرا در بخشی از آن با بی‌شرمی و بی‌پروایی نادری، نام خود را به صورت کامل آورده و در وصف مهدی علیه السلام از قول امام صادق علیه السلام گفته است: «وَيَقْعُدُ بِنَابِهِ مُحَمَّدٌ بْنُ نُصَيْرِ الثَّمِيرِيِّ فِي غَيْبَتِهِ بِصَابِرٍ»^۴؛ «باب او در غیبتش محمد بن نصیر نمیری در شهر صابر است!» و عمر بن فرات را نیز از زمره‌ی غالیان دانسته‌اند^۵ و خوشبینانه‌ترین دیدگاهشان درباره‌ی مفصل بن عمر نیز این است که «قَدْ زِيدَ عَلَيْهِ شَيْءٌ كَثِيرٌ، وَحَمَلَ الْعُلَاةُ فِي حَدِيثِهِ حَمْلًا عَظِيمًا»^۶؛ «چیزهای بسیاری به او بسته شده است و غالیان در حدیث او شدیداً دست برده‌اند» و نمونه‌ی آن همین حدیث جعلی است که سلسله‌ای از غالیان ساخته و به او نسبت داده‌اند!

از اینجا دانسته می‌شود که سند این حدیث، مصداق ظلمات است، ولی باید دانست که مضمون آن از سندی آن ظلمانی‌تر است: «ظُلُمَاتٌ بَعْضُهَا فَوْقَ بَعْضٍ»^۷؛ «ظلماتی که برخی بر روی برخی دیگر است»؛ زیرا در بخشی از آن که دستاویز منافقان قرار گرفته، پس از سخن گفتن درباره‌ی آمدن ۳۱۳ تن یاران مهدی علیه السلام به مکه پیش از ظهور او، آمده است: «قَالَ الْمُفَضَّلُ يَعْنِي لِلصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا مَوْلَايَ، يَا سَيِّدِي، فَاتَّانَ وَسَبْعُونَ رَجُلًا الَّذِينَ قُتِلُوا مَعَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ يَطْهَرُونَ مَعَهُمْ؟ قَالَ: يَطْهَرُ مَعَهُمْ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ فِي اثْنَيْ عَشَرَ أَلْفًا مُؤْمِنِينَ مِنْ شِيعَةِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

۱. الشجرة المباركة في أنساب الطالبية لفخر الدين الرازي، ص ۷۱

۲. بنگرید به: رجال الطوسي، ص ۴۳۳.

۳. بنگرید به: رجال الكشي، ج ۲، ص ۸۰۵؛ الغيبة للطوسي، ص ۳۹۸؛ خلاصة الأقوال لابن المطهر الحلي، ص ۴۳۲.

۴. مختصر بصائر الدرجات لحسن بن سليمان الحلي، ص ۱۸۲

۵. رجال الطوسي، ص ۳۶۲

۶. رجال ابن الفضائري، ص ۸۷؛ خلاصة الأقوال لابن المطهر الحلي، ص ۴۰۷

۷. التور / ۴۰

وَعَلَيْهِ عِمَامَةٌ سَوْدَاءٌ، قَالَ الْمُفَضَّلُ: يَا سَيِّدِي، فَبَغَيْرِ سُنَّةِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ بَايَعُوا لَهُ قَبْلَ ظُهُورِهِ وَقَبْلَ قِيَامِهِ؟ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا مُفَضَّلُ، كُلُّ بَيْعَةٍ قَبْلَ ظُهُورِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَبَيْعَةٌ كُفْرٌ وَنِفَاقٌ وَخَدِيْعَةٌ، لَعَنَ اللَّهُ الْمُبَايِعَ لَهَا وَالْمُبَايِعَ لَهَا؛ «مفضل (به امام صادق عليه السلام) گفت: ای مولا و سید من! آیا هفتاد و دو مردی که به همراه حسین بن علی علیهما السلام کشته شدند نیز به همراه آنان ظهور می کنند؟ فرمود: به همراه آنان ابو عبد الله حسین بن علی علیهما السلام با دوازده هزار مؤمن از شیعیان علی علیه السلام ظهور می کند، در حالی که عمامه ای سیاه بر سر دارد، مفضل گفت: ای سید من! با این حساب، آنان پیش از ظهور و قیام قائم علیه السلام با غیر سنت او با حسین بن علی علیهما السلام بیعت می کنند؟ فرمود: ای مفضل! هر بیعتی پیش از ظهور قائم علیه السلام، بیعت کفر، نفاق و فریب است، خداوند کسی که بیعت می کند و کسی که با او بیعت می شود را لعنت کند». واضح است که سؤال ادعایی مفضل، درباره ی دوازده هزار مؤمن از شیعیان علی علیه السلام است که با حسین علیه السلام ظهور می کنند؛ چراکه سخن ادعایی امام صادق علیه السلام در عبارت قبلی، درباره ی آنان است و از آن جهت باعث سؤال ادعایی مفضل شده که از ظهور آنان همزمان با آمدن ۳۱۳ تن یاران مهدی علیه السلام به مکه، سخن گفته است. هر چند بنا بر روایت حسین بن حمدان در کتاب «الهدایة الكبرى»، سؤال ادعایی مفضل، درباره ی ۳۱۳ تن یاران مهدی علیه السلام است؛ چراکه در آن، پس از ذکر ظهور حسین علیه السلام و همراهان او همزمان با آمدن آنان به مکه، آمده است: «فَتَقَبَّأْتُ الْقَائِمَ إِلَيْهِ التَّسْلِيمَ [عَلَيْهِ السَّلَامُ]؟ / بَغَيْرِ سُنَّتِهِ؟ [بَايَعُوهُ قَبْلَ قِيَامِهِ؟]؟»؛ «با این حساب، نقبای قائم علیه السلام / با غیر سنت او پیش از قیامش با حسین بن علی علیهما السلام بیعت می کنند؟» و ظاهر از «نقبای قائم علیه السلام»، همان ۳۱۳ تن یاران او هستند که در عبارت قبلی از آنان یاد شده است. بنابراین، معنای سؤال این است که همراهان حسین علیه السلام یا ۳۱۳ تن یاران مهدی علیه السلام، «پیش از ظهور و قیام قائم علیه السلام» چگونه با حسین علیه السلام بیعت می کنند؟! آیا بیعت شان با حسین علیه السلام پیش از ظهور و قیام قائم علیه السلام، مغایر با بیعت شان با قائم علیه السلام است؟! قاعدتاً پاسخ به این سؤال احمقانه باید آن باشد که بیعت شان با حسین علیه السلام پیش از ظهور و قیام قائم علیه السلام، با بیعت شان با قائم علیه السلام مغایرتی ندارد؛ چراکه هر دو به امر خداوند و پیامبرش و در راستای هدفی حق و واحد انجام می شود، ولی جعل کننده ی حدیث، به سؤال احمقانه ی خود پاسخی احمقانه تر داده و گفته است: «هر بیعتی پیش از ظهور قائم علیه السلام، بیعت کفر، نفاق و فریب است، خداوند کسی که بیعت می کند و کسی که با او بیعت می شود را لعنت کند» و این به آن معناست

۱. مختصر بصائر الدرجات لحسن بن سلیمان الحلّی، ص ۱۸۳

۲. الهدایة الكبرى للحسین بن حمدان الخصبی، ص ۳۹۷

که بیعت آنان با حسین علیه السلام پیش از ظهور و قیام قائم علیه السلام، با بیعت‌شان با قائم علیه السلام مغایرت دارد و مصداق کفر، نفاق و فریب است و «کسی که بیعت می‌کند» یعنی دوازده هزار مؤمن یا ۳۱۳ تن یاران مهدی علیه السلام که با حسین علیه السلام بیعت می‌کنند «و کسی که با او بیعت می‌شود» یعنی حسین علیه السلام شایسته‌ی لعنت هستند!! این در حالی است که خود این حدیث در عبارات قبلی، هر دو گروه را ستوده و «از شیعیان علی علیه السلام» و «نقبای قائم علیه السلام» شمرده و با این وصف، متهم کردن آنان به کفر، نفاق و فریب و لعنت کردن آنان وجهی ندارد و بسیار عجیب است! از این رو، برخی اخباریان مانند مجلسی صاحب «بحار الأنوار» که متوجه تناقض و رکاکت این بخش از حدیث بوده‌اند، سعی در تأویل و توجیه آن کرده‌اند و گفته‌اند: «قَوْلُهُ: <فَبِغَيْرِ سُنَّةِ الْقَائِمِ> لَعَلَّ الْمَعْنَى أَنَّ الْحُسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَيْفَ يَظْهَرُ قَبْلَ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِغَيْرِ سُنَّتِهِ؟ فَأَجَابَ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِأَنَّ ظُهُورَهُ بَعْدَ الْقَائِمِ، إِذْ كُلُّ بَيْعَةٍ قَبْلَهُ ضَلَالَةٌ»؛ «شاید سخن او که گفته است: <با غیر سنت قائم> به این معنا باشد که حسین علیه السلام چگونه پیش از ظهور قائم علیه السلام با غیر سنت او ظهور می‌کند؟ پس (امام صادق) علیه السلام جواب داده است که ظهور حسین علیه السلام بعد از قائم خواهد بود؛ چراکه هر بیعتی قبل از او گمراهی است!! ولی حقیقت آن است که این تأویل و توجیه، با عبارت قبلی سازگار نیست؛ زیرا در عبارت قبلی، به صراحت از ظهور حسین علیه السلام و دوازده هزار مؤمن، همزمان با آمدن ۳۱۳ تن یاران مهدی علیه السلام به مکه سخن گفته شده و آمده است که ۳۱۳ تن یاران مهدی علیه السلام، پیش از ظهور و قیام او به مکه می‌آیند و سؤال ادعایی مفضل از همین جا برخاسته است! بنابراین، اگر پاسخ ادعایی این است که ظهور حسین علیه السلام و دوازده هزار مؤمن، پس از مهدی علیه السلام واقع می‌شود، عبارت قبلی را نقض می‌کند، در حالی که قطعاً امام صادق علیه السلام تناقض نمی‌گوید و اگر پاسخ ادعایی این است که ظهور حسین علیه السلام و دوازده هزار مؤمن، پیش از ظهور و قیام مهدی علیه السلام واقع می‌شود، به معنای آن است که بیعت با حسین علیه السلام پیش از ظهور و قیام مهدی علیه السلام، بیعت کفر، نفاق، فریب و شایسته‌ی لعنت است، در حالی که قطعاً امام صادق علیه السلام چنین دیدگاهی درباره‌ی بیعت با حسین علیه السلام نداشته است؛ همچنانکه ممکن نیست درباره‌ی بیعت‌کنندگان با مهدی علیه السلام پیش از ظهور او گفته باشد: «خداوند کسی که بیعت می‌کند و کسی که با او بیعت می‌شود را لعنت کند»؛ چراکه آنان با مهدی علیه السلام بیعت می‌کنند و لعنت کردن مهدی علیه السلام توسط امام صادق علیه السلام، محال است!

بنابراین، تنها یک راه برای تأویل و توجیه پاسخ ادعایی باقی می‌ماند و آن اینکه بیعت با حسین علیه السلام پیش از ظهور و قیام مهدی علیه السلام، «با غیر سنت قائم علیه السلام»، یعنی برای تحقق حکومت غیر مهدی علیه السلام انجام نمی‌شود؛ زیرا هر بیعتی پیش از ظهور و قیام مهدی علیه السلام، با غیر سنت او، یعنی برای تحقق حکومت غیر او، بیعت کفر، نفاق، فریب و شایسته‌ی لعنت است و این به معنای مشروعیت بیعت «با سنت قائم علیه السلام» یعنی برای تحقق حکومت مهدی علیه السلام است که علامه منصور هاشمی خراسانی به سوی آن فرا می‌خواند؛ همچنانکه وقتی -بنا بر روایت- بیعت با حسین علیه السلام پیش از ظهور و قیام مهدی علیه السلام، با آنکه بیعت با کسی جز مهدی علیه السلام است، با بیعت با مهدی علیه السلام مغایرت ندارد، بیعت با خود مهدی علیه السلام پیش از ظهور و قیام او که بیعت با کسی جز او نیست، به طریق اولی با آن مغایرت نخواهد داشت و این عکس مدعای مخالفان علامه منصور هاشمی خراسانی و عکس برداشت آنان از روایت است!

از اینجا دانسته می‌شود که روایت مذکور، روایتی ساختگی و متناقض است و بر فرض صحت نیز دلالتی بر عدم مشروعیت بیعت با مهدی علیه السلام پیش از ظهور او ندارد، بلکه بالعکس بر این نکته تأکید می‌کند که هر بیعتی با غیر مهدی علیه السلام پیش از ظهور او، بیعت کفر، نفاق و فریب است و موجب لعنت می‌شود؛ چراکه بیعت با او پیش از ظهورش نیز ممکن و واجب است و با این وصف، هیچ توجیهی برای بیعت با دیگران وجود ندارد و این همان مبنای علامه منصور هاشمی خراسانی است.



بایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوب‌هاشعی خراسانی
تلفن: ۰۵۱-۳۳۳۳۳۳۳۳



بایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوب‌هاشعی خراسانی حفظه الله تعالى



* لطفاً بر روی لینک مورد نظر خود کلیک کنید.